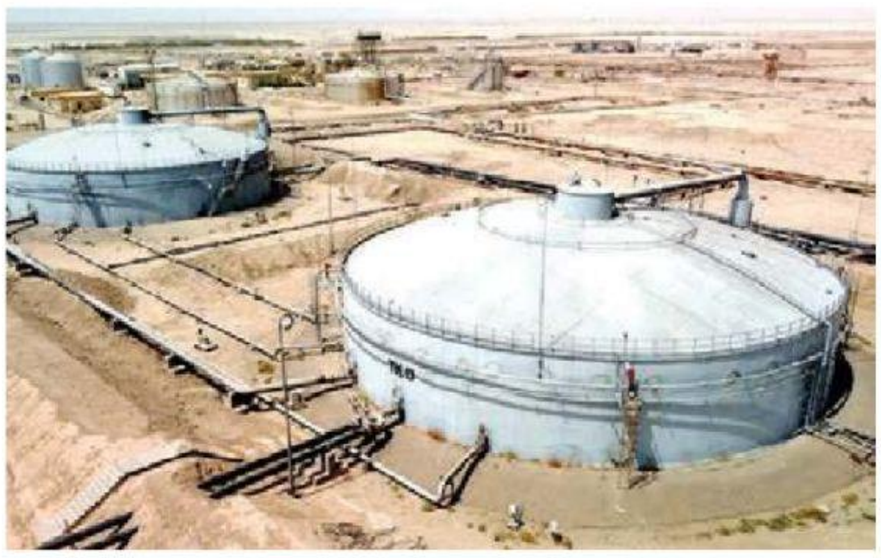
آیا بازار انرژی با انبارهای خالی به استقبال بحران بعدی خواهد رفت؟

صورت‌حساب یک‌میلیارد بشکه‌ای جنگ هرمز

حمید ملازاده
دنیای اقتصاد

جهان از آغاز جنگ آمریکا با ایران و اختلال در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، نزدیک به یک‌میلیارد بشکه نفت از ذخایر خود برداشت کرده است. به گفته سلطان الجابر، مدیرعامل شرکت نفتی آدنوک امارات، بازار حالا تقریبا با انبارهای خالی به استقبال زمستان می‌رود؛ زمستانی که با دیزل در پایین‌ترین سطح ذخایر در ۳۵ سال اخیر و نفت برنت نزدیک به ۱۱۰ دلار در بشکه آغاز می‌شود. الجابر این هشدار را روز دوشنبه ۲ نوامبر در کنفرانس ادیپک امارات مطرح کرد. او گفت در برخی مناطق ذخایر دیزل برای این زمان از سال به پایین‌ترین سطح در ۳۵ سال رسیده و مناطق دیگری با شکاف عرضه ۶۰۰ میلیارد فوت مکعبی گاز طبیعی مایع روبه‌رو هستند. قیمت دیزل در بسیاری از بازارها به رکورد رسیده و دولت‌ها و مصرف‌کنندگان را با تورم و فشار هزینه زندگی مواجه کرده است.



پس‌انداز بی‌پایان؟

ذخایر نفت و فرآورده‌ها مثل کیسه هوای بازار عمل می‌کنند: وقتی عرضه قطع شود، ضربه را جذب می‌کنند. جهان در ماه‌های گذشته همین کار را کرده است. برداشت نزدیک به یک‌میلیارد بشکه یعنی بازار شوک عرضه را نه با تولید، بلکه با خرج کردن پس‌انداز خود پشت سر گذاشته است. مشکل اینجاست که پس‌انداز بی‌پایان نیست. امین ناصر، مدیرعامل آرامکوی عربستان، هم ماه گذشته گفت کمتر از ۶ میلیارد بشکه ذخیره تجاری باقی مانده و بخش بزرگ آن عملا در دسترس نیست؛ چون در خطوط لوله، مخازن عملیاتی و کشتی‌ها گیر کرده درحالی که بازار در شرایط موجود نیاز مبرم به آنها دارد. به بیان ساده، ذخیره قابل استفاده بسیار کمتر از رقم رسمی است. آژانس بین‌المللی انرژی هم ماه گذشته تصمیم گرفت بیش از ۲۰ میلیون بشکه دیزل و هر مقدار باقی‌مانده از برداشت اضطراری رکوردی ماه مارس را روانه بازار کند. یعنی حتی ابزار اضطراری هم در حال رسیدن به ته خط است.

افزایش سهم هزینه لجستیک

یکی از چشم‌گیرترین ارقام این گزارش، سهم هزینه حمل و لجستیک است که به گفته الجابر از ۵ درصد پیش از جنگ به ۳۰ درصد بهای هر بشکه رسیده است. این یعنی ۶ برابر شدن سهم حمل در قیمت. اگر بهای شاخص برنت را ۱۱۰ دلار بگیریم، حدود ۳۳ دلار از آن صرف جابه‌جایی می‌شود؛ درحالی که پیش‌تر کمتر از ۶ دلار بود. این محاسبه تقریبی و بر پایه عددهای خود الجابر است. این رقم تصویر دقیق‌تری از بحران می‌دهد: مشکل فقط کمبود نفت نیست، بلکه گران و کند شدن رساندن آن به مصرف‌کننده است. ما با بحران همزمان عرضه و مسیر روبه‌رو هستیم لذا کرایه حمل نفت روسیه به هند نیز به رکورد تاریخی رسیده است. الگو یکی است: وقتی مسیرها پرخطر شوند، هزینه حمل به اندازه خود نفت تعیین‌کننده می‌شود.

چرا دیزل خط مقدم بحران است؟

دیزل سوخت حمل‌ونقل سنگین، کشاورزی، ساخت‌وساز و صنعت است. افزایش قیمت آن به‌سرعت در قیمت غذا، کالا و خدمات تاثیر می‌گذارد. افزون بر این، دیزل با آغاز فصل سرما در بسیاری از کشورها برای گرمایش و تولید برق هم مصرف و رقابت بر سر آن شدیدتر می‌شود. همین است که ذخایر پایین‌ترین سطح ۳۵ ساله را نشان می‌دهند، درست در آستانه فصلی که تقاضا بالا می‌رود. شکاف ۶۰۰ میلیارد فوت مکعبی گاز مایع هم همین فشار را از سمت دیگر تکمیل می‌کند: وقتی گاز کم باشد، تقاضا برای سوخت‌های جایگزین از جمله دیزل بالا می‌رود.

نقشه ذی‌نفعان

دولت‌های واردکننده در دشوارترین موقعیت هستند. هم باید ذخایر راهبردی را پر و هم قیمت‌های تاریخی را تحمل کنند. کشورهای کم‌درآمد و وابسته به واردات بیشترین آسیب را می‌بینند؛ چون در رقابت بر سر محموله‌های کمیاب، توان مالی کمتری دارند. تولیدکنندگان خلیج فارس، از جمله امارات و عربستان، از قیمت‌های بالا سود می‌برند؛ اما صادراتشان همچنان به امنیت هرمز بسته است. تاکید الجابر بر ذخیره‌سازی بیشتر و پالایشگاه‌های نزدیک بازار مصرف را باید با همین نگاه خواند: او هم هشدار می‌دهد و هم به‌طور ضمنی بازار تازه‌ای برای زیرساخت و خدمات انرژی تعریف می‌کند. شرکت‌های کشتیرانی و پالایشگاه‌های بزرگ نیز در کوتاه‌مدت از حاشیه سود بالاتر بهره می‌برند.

زمستان لبه تیغ

محتمل‌ترین روایت، «زمستان لبه تیغ» است: اگر جنگ در سطح فعلی بماند و عبور از هرمز با اختلال ادامه یابد، بسیاری از تحلیلگران انتظار دارند ذخایر باز هم کاهش و قیمت دیزل با هر موج سرما جهش کند. پیش‌شرط این روایت ادامه وضع موجود است و آسیب‌پذیرترین‌ها واردکنندگان آسیایی و اروپایی‌اند. روایت دوم، «بازگشت تدریجی» است: اگر امنیت عبور کشتی‌ها بهبود یابد، صادرات خلیج‌فارس بازگردد و پالایشگاه‌ها دیزل بیشتری تولید کنند، قیمت‌ها می‌توانند عقب بنشینند. اما حتی در این حالت، پر کردن ذخایر تخلیه‌شده خود تقاضای تازه‌ای ایجاد کرده و مانع سقوط شدید قیمت می‌شود. روایت سوم، «شوک مضاعف» است: یک اختلال تازه، مثل حمله به یک پالایشگاه بزرگ یا توقف دوباره در هرمز، در شرایطی که ضربه‌گیر وجود ندارد، می‌تواند قیمت‌ها را به‌شدت بالا ببرد. احتمال آن کمتر است؛ اما پیامدش سنگین‌ترین است.

ردپای بحران در اقتصاد جهان

نخست اینکه پر کردن ذخایر خود به یک عامل نگه‌دارنده قیمت تبدیل می‌شود. دولت‌هایی که ذخایرشان را آزاد کرده‌اند، دیر یا زود باید دوباره بخرند و این تقاضای آینده را بالا نگه می‌دارد. دوم، ساخت انبار و پالایشگاه در نزدیکی بازار مصرف دیگر یک انتخاب نیست، یک ضرورت امنیتی است؛ کشورها می‌خواهند کمتر به نفتی وابسته باشند که باید از مسیرهای دور و پرخطر برسد. سوم، تورم وارداتی می‌تواند بانک‌های مرکزی را در تنگنا بگذارد؛ چون مهار آن با نرخ بهره، شوک عرضه را حل نمی‌کند. چهارم، سازوکار تاب‌آوری انرژی در برنامه‌ریزی دولت‌ها بیشتر از کارآیی اقتصادی وزن می‌گیرد.

پرسش پایانی

اگر جهان یک‌میلیارد بشکه را برای عبور از شوک اول خرج کرده و ذخایر قابل استفاده‌اش رو به پایان است، آیا بازار انرژی برای شوک بعدی آمادگی دارد یا بازار با انبارهای خالی به استقبال بحران بعدی خواهد رفت؟

تکمیل ذخیره‌سازی گاز در مخزن سراجه قم

رئیس منطقه عملیاتی سراجه قم شرکت نفت مناطق مرکزی ایران از تکمیل ذخیره‌سازی گاز در مخازن منطقه عملیاتی سراجه قم خبر داد و گفت: منطقه عملیاتی سراجه در حال آماده‌سازی برای بازتولید و از نیمه آبان، آماده تزریق گاز به خط لوله سراسری برای پایداری فشار شبکه در روزهای سرد سال است. سیدحسین موسوی در گفت‌وگو با شانا درباره اهمیت ذخیره‌سازی گاز در سراجه قم در فصل سرد سال برای حفظ پایداری و پشتیبانی ایمن از فشار خط لوله سراسری بیان کرد: ذخیره‌سازی گاز در سراجه قم در روزهای سرد سال بسیار اهمیت دارد و با اعلام افت فشار گاز از سوی کارگروه سوخت کشور، عملیات بازتولید در این منطقه آغاز و با تزریق گاز به خط لوله پنجم سراسری کشور، زمینه جریان پایدار انرژی کشور را فراهم می‌کند. وی افزود: طبق برنامه‌ریزی‌ها، عملیات بازتولید گاز و تخلیه مخزن ذخیره‌سازی سراجه قم تا ۱۵ اسفند ادامه دارد و با پایان فصل زمستان و کاهش مصرف گاز در شبکه گازرسانی، از ۱۵ فروردین عملیات ذخیره‌سازی دوباره آغاز می‌شود. رئیس منطقه عملیاتی سراجه قم شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، با اشاره به مصرف بالای گاز استان تهران و نزدیکی منطقه سراجه به تهران، بر اهمیت نقش ذخیره‌سازی گاز در سراجه قم تاکید و تصریح کرد: منطقه عملیاتی سراجه قم به‌عنوان یکی از نخستین مخازن ذخیره‌سازی گاز کشور در ماه‌های سرد سال حائز اهمیت راهبردی برای کشور به شمار می‌آید و با مدیریت و راهبری شرکت نفت مناطق مرکزی ایران فعالیت می‌کند. براساس این گزارش، ۲ مخزن سراجه قم و شوریجه خانگیران، محور اصلی ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز در کشور هستند که تحت راهبری و مدیریت تولید شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق فعالیت می‌کنند.

از سرگیری برداشت گاز از میدان آب‌های عمیق در چین



شرکت ملی نفت فلات قاره چین از آغاز دوباره برداشت گاز از میدان واقع در آب‌های عمیق در سه‌ماه چهارم سال جاری میلادی خبر داد. به گزارش شانا به نقل از رویترز، یکی از مدیران شرکت ملی نفت فلات قاره چین (CNOOC) در جریان نشست اعلام نتایج مالی گفت که این شرکت در نظر دارد پس از حادثه اوایل سال جاری، تولید گاز را در میدان «لینگ‌شویی ۱۷-۲» واقع در آب‌های عمیق دریای چین جنوبی در سه ماه چهارم سال ۲۰۲۶ از سر گیرد. این مقام مسوول افزود که این حادثه تاثیر محدودی بر مجموع تولید این شرکت خواهد داشت. شرکت ملی نفت فلات قاره چین جزئیاتی درباره این حادثه ارائه نکرده است. این میدان که با نام «آب‌های عمیق شماره ۱» هم شناخته می‌شود، نخستین میدان گازی واقع در آب‌های عمیق این کشور است که مالکیت و بهره‌برداری کامل آن در اختیار شرکت ملی نفت فلات قاره چین قرار دارد. بر اساس این گزارش، این میدان در قالب دو فاز توسعه و از ظرفیت تولید ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در سال برخوردار است. میدان «لینگ‌شویی ۱۷-۲» در عمق ۱۵۰۰ متری دریا و در فاصله حدود ۱۵۰ کیلومتری جنوب استان هاینان قرار دارد و تولید از آن در ژوئن ۲۰۲۱ آغاز شده است. این میدان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های گازی شرکت ملی نفت فلات قاره چین به‌شمار می‌رود و گاز موردنیاز جنوب چین و هنگ کنگ را تامین می‌کند.

نشریه تخصصی «انرژی اینتلیجنس» در ماه مه گزارش داد که فعالیت این میدان به‌دلیل آتش‌سوزی و به دنبال آن انفجار در پروژه فاز دوم متوقف شده است.

جهش در جمع‌آوری گازهای مشعل

عبور جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل از روزانه ۱۷ میلیون مترمکعب، پیشبرد طرح راهبردی پتروپالایش دهلران با سرمایه‌گذاری حدود یک‌میلیارد و ۱۰۰ میلیون یورو و توسعه مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های جمع‌آوری گاز مشعل، از جلوه‌های مهم حرکت صنعت نفت در مسیر صیانت از منابع ملی، کاهش آلایندگی و تبدیل گازهای سوزانده‌شده به ثروت و ارزش افزوده است. به گزارش شانا، جمع‌آوری گازهای همراه نفت و گازهای مشعل در سال‌های اخیر به یکی از محورهای مهم برنامه اجرایی وزارت نفت تبدیل شده؛ مسیری که با تکیه بر سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های فرآورشی، فعال‌سازی ظرفیت بخش خصوصی و تعریف پروژه‌های منطقه‌ای دنبال می‌شود و آثار آن را می‌توان در افزایش ظرفیت جمع‌آوری، تامین خوراک صنایع پایین‌دستی و کاهش گازسوزی در مناطق نفت‌خیز مشاهده کرد. بر اساس آمارهای اعلام‌شده، حجم جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل از روزانه ۱۷ میلیون مترمکعب فراتر رفته است؛ دستاوردی که در کنار طرح‌های در حال اجرا و قراردادهای امضاشده، نشان‌دهنده استمرار حرکت صنعت نفت برای تحقق تکالیف برنامه هفتم توسعه و استفاده حداکثری از ظرفیت منابع هیدروکربوری کشور است.

پیوند صیانت از منابع و خلق ارزش اقتصادی

گازهای همراه نفت، سرمایه‌ای ارزشمند هستند که در صورت جمع‌آوری و فرآورش، می‌توانند به‌جای سوختن در مشعل‌ها، به خوراک صنایع پتروشیمی، سوخت صنایع و محصولات با ارزش افزوده تبدیل شوند. از این منظر، اجرای طرح‌های جمع‌آوری گاز مشعل تنها یک اقدام محیط زیستی نیست، بلکه بخشی از راهبرد توسعه زنجیره ارزش صنعت نفت و افزایش بهره‌وری اقتصادی منابع ملی به شمار می‌رود. در همین چارچوب، مجموعه‌ای از قراردادها و پروژه‌ها با مشارکت بخش خصوصی تعریف شده است. اجرای این طرح‌ها افزون بر افزایش ظرفیت جمع‌آوری، زمینه توسعه سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت صنایع پایین‌دستی و کاهش انتشار آلاینده‌ها را فراهم می‌کند.

گامی راهبردی برای خاموشی ۹ مشعل

یکی از اقدام‌های اجرایی مهم در این حوزه، اجرای طرح پتروپالایش دهلران (NGL ۳۱۰۰) با سرمایه‌گذاری حدود یک‌میلیارد و ۱۰۰ میلیون یورو است؛ طرحی که با هدف جمع‌آوری و فرآورش گازهای همراه نفت میدان‌های چشمه‌خوش، پایدار غرب، دانان، سروک، آذر و دهلران تعریف و اجرا شده است. این مجموعه با ظرفیت فرآورش روزانه ۲۴۰ میلیون فوت‌مکعب گاز، نقش مهمی در سامان‌دهی گازهای همراه تولیدی این میدان‌ها و فراهم‌سازی خوراک مورد نیاز صنایع پتروشیمی ایفا می‌کند. بر اساس برنامه پیش‌بینی‌شده، با اجرای این طرح ۹ مشعل در منطقه خاموش خواهد شد. اهمیت طرح پتروپالایش دهلران تنها به ظرفیت فرآورش آن محدود نمی‌شود؛ این پروژه از طرح‌های مهم صنعت نفت برای کاهش گازهای ارسالی به مشعل در منطقه دشت عباس و استان ایلام به شمار می‌رود و می‌تواند با تبدیل به خوراک قابل استفاده صنعتی، ضمن کاهش اتلاف منابع، زمینه خلق ارزش افزوده و تقویت فعالیت‌های اقتصادی منطقه را فراهم کند.



مشارکت بخش خصوصی در مقیاس گسترده

در کنار طرح‌های بزرگ فرآورشی، واگذاری پروژه‌های جمع‌آوری گاز مشعل به بخش خصوصی نیز به‌عنوان یکی از رویکردهای اجرایی وزارت نفت دنبال می‌شود. در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، چند بسته کاری برای جمع‌آوری گازهای مشعل تعریف شده است که اجرای آنها می‌تواند ظرفیت قابل توجهی به زیرساخت‌های جمع‌آوری گاز کشور اضافه کند. بر اساس آمار ارائه‌شده، ۶ بسته کاری به بهره‌برداری رسیده، ۱۷ بسته در حال اجرا، ۱۶ بسته در مرحله امضای قرارداد و ۴ بسته نیز در مرحله واگذاری است. ظرفیت جمع‌آوری گاز در بسته‌های به بهره‌برداری رسیده حدود ۷۸ میلیون فوت‌مکعب در روز اعلام شده است. همچنین با تکمیل مجموعه این پروژه‌ها، ظرفیت جمع‌آوری روزانه حدود ۵۰۴ میلیون فوت‌مکعب گاز فراهم خواهد شد؛ ظرفیتی که می‌تواند نقش موثری در کاهش گازسوزی، افزایش بهره‌وری تولید و صیانت از منابع ارزشمند هیدروکربوری داشته باشد. این الگوی واگذاری، افزون بر تسریع اجرای پروژه‌ها، فرصتی مناسب برای حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های توانمند داخلی ایجاد می‌کند. مشارکت بخش خصوصی در این طرح‌ها، ظرفیت تامین مالی و اجرایی صنعت نفت را گسترش می‌دهد و زمینه بهره‌گیری از توان تخصصی شرکت‌های داخلی را فراهم می‌سازد.

حرکت همزمان پروژه‌های بزرگ

ترکیب طرح‌های بزرگ فرآورشی، مانند پتروپالایش دهلران، با مجموعه‌ای از بسته‌های کاری واگذارشده به بخش خصوصی، نشان‌دهنده رویکرد چندوجهی صنعت نفت در مدیریت گازهای همراه است. در این رویکرد، هم زیرساخت‌های لازم برای فرآورش و استفاده صنعتی از گازها توسعه می‌یابد و هم از ظرفیت سرمایه‌گذاری و توان اجرایی بخش خصوصی برای جمع‌آوری گازهای مشعل در مناطق مختلف استفاده می‌شود. از سوی دیگر، اجرای قراردادهای جمع‌آوری گاز همراه، افزون بر جلوگیری از سوزاندن منابع، می‌تواند درآمدزایی پایدار ایجاد کند و خوراک مورد نیاز صنایع پایین‌دستی را در دسترس قرار دهد. برآوردهای اعلام‌شده درباره طرح‌های این حوزه نیز از ظرفیت قابل توجه آنها برای خلق ارزش اقتصادی و افزایش درآمد صنعت نفت حکایت دارد.

افق تازه برای کاهش گازهای ارسالی به مشعل

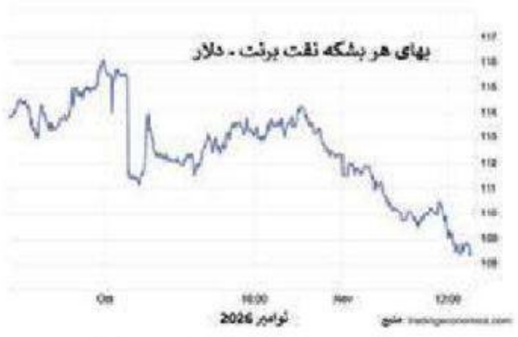
تکالیف برنامه هفتم توسعه، جمع‌آوری گازهای مشعل و همراه را به یکی از اولویت‌های مهم صنعت نفت تبدیل کرده است. هدف‌گذاری برای جمع‌آوری ۹۰ درصد گازهای مشعل و همراه تا پایان سال ۱۴۰۶، بیانگر اهمیت این موضوع در برنامه‌ریزی کلان بخش نفت و گاز کشور است. در این مسیر، پروژه‌های در حال اجرا، قراردادهای امضاشده، طرح‌های بزرگ فرآورشی و مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، اجزای مکمل یک برنامه گسترده برای کاهش گازهای ارسالی به مشعل و افزایش بهره‌وری منابع به شمار می‌روند. همچنین، برنامه خاموشی ۵۷ مشعل در استان خوزستان، از دیگر محورهای عملیاتی این حرکت است.

از کاهش آلایندگی تا تقویت زنجیره ارزش

دستاوردهای طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل را باید در چند سطح ارزیابی کرد: جلوگیری از اتلاف منابع ملی، کاهش آلاینده‌های ناشی از سوزاندن گاز، تامین خوراک صنایع پتروشیمی و پایین‌دستی، ایجاد درآمد و ارزش افزوده، توسعه سرمایه‌گذاری و تقویت توان شرکت‌های داخلی. به این ترتیب، گازهایی که پیش‌تر در مشعل‌ها می‌سوختند، به منبعی برای تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه صنعتی تبدیل می‌شوند. این تغییر رویکرد، افزون بر آثار اقتصادی و محیط زیستی، جایگاه صنعت نفت را در مسیر بهره‌وری و تکمیل زنجیره ارزش منابع هیدروکربوری تقویت می‌کند. مجموع اقدام‌های انجام‌شده و پروژه‌های در حال اجرا نشان می‌دهد جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل دیگر صرفا یک برنامه جانبی در صنعت نفت نیست، بلکه به یکی از محورهای اصلی افزایش بهره‌وری، توسعه صنایع پایین‌دستی و صیانت از ثروت ملی تبدیل شده است؛ مسیری که با تکمیل طرح‌هایی همچون پتروپالایش دهلران و بسته‌های واگذارشده به بخش خصوصی، می‌تواند گام‌های موثرتری در مسیر کاهش گازسوزی و تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به ارزش اقتصادی بردارد.

آیا قیمت طلای سیاه را همچنان اقتصاد تعیین می‌کند یا ژئوپلیتیک؟

خوش‌بینی نفت به مذاکره



دنیای‌اقتصاد: بهای نفت برنت دوشنبه ۲ نوامبر حدود ۴ دلار ریخت و به ۱۰۸ دلار در بشکه رسید؛ اما این افت بیشتر شبیه آرامش پیش از توفان است تا نشانه بهبود. بازار به خبر مذاکرات قطر و ایران امیدوار شده، درحالی که ذخایر جهان خالی‌تر از همیشه و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا امروز برگزار می‌شود. قیمت امروز بیش از آنکه حاصل تغییر در عرضه باشد، نتیجه یک قمار سیاسی است. بهای شاخص برنت در ماه اکتبر در بالاترین سطح ۶ ماه اخیر بسته شد؛ چون نگرانی از شعله‌ور شدن دوباره جنگ آمریکا با ایران بالا بود. به گزارش تارنمای Tradingeconomics روز دوشنبه این روند صعودی متوقف و شکل نزولی به خود گرفت. دو عامل این سقوط ناگهانی را رقم زدند: مذاکرات مقام‌های ایران و قطر برای سومین روز پیاپی ادامه یافت و آخر هفته درگیری نظامی مهمی رخ نداد. شاخص وست تگزاس اینترمدییت هم حدود ۹۹ دلار معامله شد.

آمادگی برای دفاع و دیپلماسی

مذاکره‌کنندگان ایرانی یکشنبه اول نوامبر دوحه را ترک کردند؛ اما به گفته یک مقام مطلع، دلیل این امر رسیدن به بن‌بست نبود. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، مذاکرات را «در حال پیشرفت» خواند و گفت تهران برای «دفاع و دیپلماسی» هر دو آماده است. بازار این جمله دوپهلو را به نفع خود خواند. تحلیلگران هم از رنگ‌باختن بخشی از تب قیمت‌ها سخن گفتند. گزارش‌ها نیز حاکی است دونالد ترامپ مایل است پیش از تصمیم درباره از سرگیری حملات، به دیپلماسی فرصت بیشتری بدهد. نکته مهم این است که هیچ‌یک از اینها توافق نیست. قیمت امروز بر «احتمال توافق» استوار است، نه بر بازگشایی تنگه هرمز. چنین قیمتی با یک خبر بد به همان سرعتی که ریخته است، برمی‌گردد.

حرکت همزمان سه ساعت‌شمار

بازار نفت این هفته با سه ساعت‌شمار همزمان سروکار دارد. اولی میز مذاکره دوحه است؛ با میانجی‌گری قطر و تلاش کشورهای خلیج‌فارس برای جلوگیری از تشدید تنش. دومی صندوق رأی آمریکاست؛ نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای هر چه باشد، می‌تواند حساب‌وکتاب واشنگتن درباره ادامه فشار نظامی را تغییر دهد. سومی هشدار تهران است که هر حمله تازه را با پاسخ به اهداف آمریکایی در کشورهای همسایه پاسخ می‌دهد. نشانه‌ای مثبت هم وجود دارد: عربستان در اکتبر با وجود حملات حوثی‌های یمن به زیرساخت‌های انرژی‌اش، صادرات نفت خام را نسبت به سپتامبر افزایش داد. اوپک‌پلاس نیز آخر هفته سقف‌های تولید را تا پایان دسامبر بدون تغییر نگه داشت. اما این دو خبر، بازار را آرام نمی‌کند؛ چون همزمان حملات به نفتکش‌های عبوری از هرمز بالا گرفته و امنیت کشتیرانی در این آبراهه همچنان پرمخاطره است.

خرج کردن از پس‌انداز

از اواخر فوریه که جنگ آغاز شد، نفت حدود ۵۰ درصد گران‌تر شده است. اما قیمت فقط نیمی از ماجراست. در این ۸ ماه، جهان نزدیک به یک‌میلیارد بشکه از انبارهای خود بیرون کشیده تا شوک را بگذراند. بازار این بحران را با تولید تازه پشت سر نگذاشته، بلکه با خرج کردن پس‌اندازش گذرانده است. پس حتی اگر فردا توافقی امضا شود، قیمت‌ها به روزهای پیش از جنگ برنمی‌گردند. انبارهای خالی‌شده باید دوباره پر شوند و دولت‌ها و شرکت‌ها برای این کار به بازار برمی‌گردند. صلح قیمت را پایین می‌آورد؛ اما این تقاضای تازه مانع سقوط آن می‌شود.

سه پایان ممکن برای این هفته

این بخش گزارش برداشتی از دیدگاه تحلیلگران و فعالان بازار است. پایان اول: آتش‌بس در انتظار. اگر مذاکرات دوحه ادامه یابد، درگیری نظامی تازه‌ای رخ ندهد و واشنگتن پس از انتخابات به دیپلماسی فرصت دهد، بسیاری از تحلیلگران انتظار دارند قیمت‌ها حول محدوده فعلی یا کمی پایین‌تر بمانند. بیشتر سود را واردکنندگان می‌برند و صورت‌حساب این وضعیت را تولیدکنندگانی می‌پردازند که به قیمت بالا عادت کرده‌اند. این روایت به این فرض تکیه دارد که اختلاف‌ها بدون حادثه دریایی تازه پشت درهای بسته حل شود. این محتمل‌ترین روایت برای کوتاه‌مدت به نظر می‌رسد.

پایان دوم: بازگشت به نقطه صفر. اگر پس از انتخابات، واشنگتن به این نتیجه برسد که دیپلماسی نتیجه نمی‌دهد و حملات از سر گرفته شود، تهران بنابر هشدار خود پاسخ خواهد داد و نفتکش‌ها و زیرساخت‌های منطقه دوباره آماج حملات می‌شوند. در این حالت ذخایر کاهش‌یافته، قیمت را بدون هیچ سپری بالا می‌برد و واردکنندگان آسیایی و اروپایی بیشترین آسیب را می‌بینند. احتمال این روایت کمتر از اولی، اما پیامدش سنگین‌تر است.

پایان سوم: صلح ناقص. اگر توافقی امضا شود اما امنیت تنگه هرمز کامل برنگردد، بخشی از ریسک جنگ در قیمت باقی می‌ماند. موسسه مالی گلدمن‌ساکس هشدار داده اگر تولید نفت خلیج فارس ۳٫۵ میلیون بشکه در روز زیر میانگین ۲۰۲۵ بماند، قیمت برنت در ۲۰۲۷ می‌تواند تا ۱۴۰ دلار برود، یعنی حدود ۳۰ درصد بالاتر از سطح امروز. این روایت به تداوم اختلال در بخشی از تولید و حمل متکی است.

آنچه پشت نمودار پنهان است

فراتر از نوسان روزانه قیمت، سه نکته آینده بازار را رقم می‌زند. نخست، حساسیت قیمت به خبر سیاسی بیش از هر زمان است؛ چون ذخایر کم است، هر شایعه صلح یا جنگ بزرگ‌تر از وزن واقعی‌اش در قیمت اثر می‌گذارد. دوم، افت قیمت برای دولت‌های واردکننده فرصتی برای خرید ذخیره است. اگر بخواهند از این فرصت استفاده کنند، همان تقاضا، قیمت را بالا نگه می‌دارد. سوم، میانجی‌گری قطر و حضور کشورهای خلیج فارس در مذاکرات نشان می‌دهد این کشورها ترجیح می‌دهند راه‌حل را خودشان بسازند و منتظر تصمیم قدرت‌های بزرگ نمانند؛ این الگو احتمالا در سال‌های بعد هم بازتاب خواهد یافت.

پرسش پایانی

اگر قیمت نفت امروز بیش از آنکه به بشکه‌ها وابسته باشد به خبرهای دوحه و نتیجه انتخابات آمریکا گره خورده، آیا بازار انرژی هنوز بازاری اقتصادی است یا به صفحه‌ای برای قمار سیاسی تبدیل شده است؟